گزارش

زهرا چیذری

نگاهی به مصوبه مهریه و سیاست‌های کلی خانواده

«مهریه» و توازن شکننده میان حبس‌زدایی و حمایت از حقوق زن



رضا دهشیری | جوان

مصوبهٔ مجلس نه «تماماً مغایر» و نه «تماماً همسو» با سیاست‌های کلی خانواده است؛ ترکیبی از رهیافت درست با ابزار ناکافی. رهیافت درست، توجه به بندهای ۷ و ۱۳ سیاست‌های کلی خانواده و بازنگری در نظام اجرای محکومیت‌های مالی است؛ ابزار ناکافی، تخفیف ضمانت اجرای کیفری مهریه بدون ایجاد سازوکار مؤثر جایگزین است

مصوبه «اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی احکام راجع به مهریه» که ابتدای شهریور ۱۴۰۵ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، از همان نخستین روزها به یکی از چالش‌برانگیزترین پرونده‌های تقنینی کشور تبدیل شد، چراکه نه فقط یک رهیافت کیفری را تغییر می‌داد، بلکه مستقیماً با نهاد خانواده و حقوق مالی زوجه پیوند خورده است. در این مصوبه، سقف پیگرد کیفری مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه تمام بهار آزادی کاهش یافته و برای محکومان مالی بدون تمکن، نظارت الکترونیکی جایگزین حبس شده است. هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه‌ای که به ریاست عباسعلی کدخدایی برگزار شد و رؤسای سه قوا و وزیر دادگستری نیز در آن حضور داشتند، ماده یک و تبصره‌های ۳ الی ۸ این مصوبه و نیز ماده ۶ آن را مغایر سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و سیاست‌های کلی خانواده دانست.

این اعلام موضع، پرسشی بنیادین را در پیش رو می‌گذارد: مصوبه مجلس تا چه اندازه با سیاست‌های کلی خانواده -ابلاغی ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ رهبر شهید انقلاب اسلامی- همسو و تا کجا ناسازگار است؟ پاسخ صرفاً «موافق» یا «مخالف» نیست؛ مصوبه در طیفی قرار دارد که یک سوی آن در راستای سیاست‌های کلی حرکت می‌کند و سوی دیگر آن را از مسیر متصور سیاست‌های کلان نظام منحرف می‌سازد.

■ بخش‌های همگام با سیاست‌های کلی خانواده

نخستین نکته این است که مصوبه در تمامی اجزایش با سیاست‌های کلی خانواده در تقابل نیست؛ بخش‌هایی از آن را می‌توان در راستای همان سیاست‌ها دانست. در بند ۷ سیاست‌های کلی خانواده بر «بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده» و «تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده» تأکید شده است. مصوبه مجلس دقیقاً در همین قلمرو قرار دارد: بازنگری در نظام اجرای محکومیت‌های مالی که بخش بزرگی از پرونده‌های آن در حوزه خانواده است، بی‌شک در چارچوب این بند جا می‌گیرد. همچنین بند ۱۳ بر «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده» تأکید دارد. زندانی شدن مرد خانواده، حتی اگر به اقتضای اجرای قانون باشد، در عمل معیشت خانواده را مختل و فرزندان را بی‌سرپرست نان می‌گذارد. از این منظر، هر تلاشی برای کاهش زندانی‌شدن محکومان مالی می‌تواند با همین بند هم‌سو تلقی شود. افزون بر این، تأکید بند ۱۲ بر «نقش پدری و اقتصادی مردان» نیز در همین راستاست؛ پایبند الکترونیکی به مرد اجازه می‌دهد به کار و فعالیت اقتصادی ادامه دهد و درآمد خانواده قطع نشود. نکته دیگر آنکه هدفگذاری مصوبه برای به‌روزرسانی «سامانه هوشمند استعلامات مالی قوه قضائیه» و تسهیل توقیف اموال، در راستای تأمین عدالت و امنیت در مرحله اجرای احکام است، یعنی دقیقا همان چیزی که سیاست‌های کلی خانواده از نظام حقوقی می‌طلبند.

■ فاصله گرفتن از سیاست‌های کلی خانواده

علت اصلی مخالفت هیئت عالی نظارت مجمع، در جزئیات ماده یک و تبصره‌های آن نهفته است و همانجاست که مصوبه از سیاست‌های کلی خانواده فاصله می‌گیرد. مهم‌ترین حلقه مغایرت، تبصره ۴ است: براساس این تبصره، پیگرد کیفری مهریه فقط تا سقف ۱۴ سکه امکان‌پذیر است و در مهریه‌های بیشتر از این میزان، «در خصوص مازاد فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است»، یعنی برای وصول مازاد، باید توانایی مالی مرد احراز شود و در غیر این صورت، ضمانت اجرای جدی وجود ندارد. این ساختار از منظر سیاست‌های کلی خانواده دست‌کم از سه جهت محل ایراد است. نخست، بند ۱۲ بر «حمایت از عزت و کرامت همسری و نقش اقتصادی مردان» تأکید دارد، اما وقتی مهریه‌ای با توافق طرفین بر مثلاً ۳۰۰ سکه تعیین شده ولی ضمانت اجرای مؤثر آن ۱۴ سکه است، پیام عملی قانون‌گذار این است که بخش عمده توافق مالی زن و مرد در عقد نکاح، تضمین جدی ندارد. چنین رهیافتی کرامت همسری را تقویت نمی‌کند و اثری که قانون مدنی برای توافق طرفین در تعیین مهریه قائل است، در عمل تهی می‌شود.

دوم، بند ۷ بر «تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل... اجرای احکام در دعاوی خانواده» تأکید دارد، اما ملاک «ملائت» برای مازاد بر ۱۴ سکه، بار اثباتی سنگینی بر دوش زوجه می‌گذارد. اثبات تمکن مرد مدعی اعسار دشوار و هزینه‌بر است و بدون سازوکار کارآمد کشف اموال، همین ابهام به ابزاری برای مماطله بدهکاران بدل می‌شود.

سوم، ضعف در وصول مهریه به اقتصاد خانواده‌ای ضربه می‌زند که با اتکا به عقدنامه بسته شده و با بند ۹ سیاست‌ها درباره ارتقای معیشت خانواده‌ها ناسازگار است. ماده ۶ مصوبه نیز که عبارت «ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نماید» در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی را به «تمکین خاص» اصلاح می‌کند، حق حبس زوجه را در تفسیر نهایی تنگ‌تر می‌کند و از همین‌رو در شمار مواد مغایر با سیاست‌های کلی خانواده ارزیابی شده است.

■ فرصت بازاندیشی

مصوبه با وجود موضع انتقادی هیئت عالی نظارت، برای رفع ایراد شورای نگهبان به مجلس بازگشته و این فرصتی برای بازاندیشی است. مسئله «حبس‌زدایی» خود هدف پذیرفتنی و حتی ضروری است، حدود ۲۵ هزار زندانی محکوم مالی در کشور وجود دارد و کاهش جمعیت زندان‌ها هدفی مشروع در سیاست جنایی است. در سیاست جنایی، حبس‌زدایی بدون جایگزین مؤثر، صرفاً انتقال فشار از زندان به خلأهای حقوقی است. تبصره ۴ به‌جای تقویت ابزار وصول مازاد، عملاً آن را تضعیف کرده است، اگر ملائت مرد احراز نشود، زن ابزار جدی برای مطالبه ندارد و زمان و هزینه دادرسی برایش سنگین‌تر می‌شود. نکته مهم‌تر آنکه این مصوبه از منظر سیاست تشویق ازدواج نیز آسیب‌زاست. وقتی برای مهریه‌های بالای ۱۴ سکه ضمانت اجرای کیفری وجود ندارد، دو پیام ناخواسته منتشر می‌شود: نخست اینکه مهریه‌های بالا و نمادین -که سال‌هاست از موانع آسان‌شدن ازدواج شمرده می‌شوند- عملاً بی‌اثر و صرفاً تشریفاتی می‌شوند؛ دوم اینکه اعتماد به ارزش حقوقی عقدنامه به‌تدریج فرسوده می‌شود و همین به بند ۴ سیاست‌های کلی خانواده درباره «نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق» ضربه می‌زند، زیرا ازدواجی که توافق مالی آن تضمین نداشته باشد، «موفق» و مطمئن نخواهد بود. رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در تبیین مصوبه تأکید کرده که هیچ سقفی برای اصل مهریه گذاشته نشده و پایبند به معنای بخشیده‌شدن مهریه نیست. این تبیین از منظر قصد قانونگذار درست است، اما اثر اجتماعی سازوکارهای اجرایی گاه از متن قانون اثرگذارتر است و مردم، نه متن مصوبه، بلکه نتیجه عملی آن را در عقدنامه‌های خود می‌بینند.

■ ترکیبی از رهیافت درست با ابزار ناکافی

جمع‌بندی این تحلیل آن است که مصوبه مجلس نه «تماماً مغایر» و نه «تماماً همسو» با سیاست‌های کلی خانواده است؛ ترکیبی است از رهیافت درست با ابزار ناکافی. رهیافت درست، توجه به بندهای ۷ و ۱۳ سیاست‌های کلی خانواده و بازنگری در نظام اجرای محکومیت‌های مالی است؛ ابزار ناکافی، تخفیف ضمانت اجرای کیفری مهریه بدون ایجاد سازوکار مؤثر جایگزین است. راه پیش‌رو نه لغو کامل مصوبه است و نه تأیید آن در وضع فعلی، بلکه اصلاح آن در دو محور است: نخست، به‌جای سقف ثابت ۱۴ سکه، سقف کیفری باید با سازوکار شفاف و متناسب با تورم و قدرت خرید به‌روزرسانی شود تا در میانه یک دوره تقنینی بی‌اثر نماند. دوم، پیش از هرگونه محدودسازی ضمانت اجرای کیفری، نظام کشف اموال و توقیف سریع دارایی‌های محکوم‌علیه باید تقویت شود تا زوجه در فرض عدم پرداخت، به‌جای اتکا به حبس، از ابزار کارآمد وصول برخوردار شود. آنچه در نهایت مصلحت نظام است، حفظ توازن میان سه هدفی است که هیچ‌کدام را نمی‌توان فدای دیگری کرد: کاهش جمعیت زندان، حمایت مؤثر از حقوق مالی زن و حفظ اعتماد عمومی به نهاد ازدواج. مصوبه فعلی دو هدف نخست را دنبال کرده و سوم را فدا کرده است؛ اصلاح آن باید به سمت بازسازی همین توازن سه‌گانه حرکت کند.



ویتزین



برشی از کتاب «روایت آقا»

رهبر شهید: شجاعت مادرم را از کودکی دیده بودم

نقش مادر در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزندان، نقشی بی‌بدیل، بسیار عمیق و تأثیرگذار است، به گونه‌ای که اگر به سراغ زندگی بزرگان و انسان‌های اثرگذار تاریخ برویم، متوجه خواهیم شد شجاعت، جسارت و ظلم‌ستیزی، صبر و ایستادگی از جمله صفاتی است که این افراد از مادرانشان آموخته‌اند و بر محور جانشان نشسته است. اینگونه می‌شود که این بزرگان توانسته‌اند برگی زرین از حضورشان در مقطعی از تاریخ بر جای بگذارند یا زندگی و اقداماتشان نقطه عطفی در تاریخ زندگی بشر باشد.

کتاب «روایت آقا»، خاطرات رهبر شهید انقلاب از زندگی پدر گرامی‌شان، آیت‌الله سیدجواد حسینی خامنه‌ای است، اما در میان صفحات این کتاب روایت‌هایی از مادر گرامی ایشان هم نقل شده است.

روایت رهبر شهید انقلاب از ویژگی‌های تربیتی مادر گرامی‌شان، مرحومه خدیجه میردامادی نشان می‌دهد روحیه ظلم‌ستیزی و شجاعت رهبر شهید یکی از صفاتی است که از مادر بزرگوارشان آموخته بودند؛ در ادامه این روایت را با هم می‌خوانیم. مادرم زن شجاعی بود و ما این شجاعت را از دوران کودکی‌مان در ایشان مشاهده کرده بودیم. در خانه ما معروف بود که اگر پدرم مردی محجوب و دور از اغواست، مادرم زنی است که اگر لازم بشود در مسائل اغوایی وارد می‌شود و اظهارنظر می‌کند. از سال ۴۱ که مسائل سیاسی پیش آمده بود و در سال ۴۲ که من اولین بازداشت خودم را گذراندم، این روحیه در مادرم کاملاً آشکار شد. ایشان در برخورد با مأموران زندان، چه آن وقتی که برای دیدن ما یا آوردن لباس و غذا به زندان می‌آمد و چه آن وقتی که مأموران ساواک به منزل ما می‌آمدند، همواره شجاعانه برخورد می‌کرد. هیچ‌وقت نشد که به آنها التماسی کند یا در برابر اهانت‌ها و درشت‌گویی‌های آنها کوتاه بیاید. مثلاً ظهر یکی از روزهای سال ۴۹ در منزل پدرم بودم که مأموران ساواک آمدند و می‌خواستند من را دستگیر کنند. پدرم میهمان داشت و ما سر سفره ناهار بودیم. به من خبر دادند که ساواکی‌ها پایین هستند. وقتی آمدند، دیدم دارند با مادرم دعوا می‌کنند. گویا ایشان دم در به آنها گفته بود که فلانی اینجا نیست، اما آنها که از مدتی پیش مأمور گذاشته بودند و دیده بودند من به خانه آمده‌ام، به زور در را باز کرده و وارد شده بودند. حالا که من ظاهر شده بودم و می‌دیدند که در خانه هستم، با مادرم یک‌دو می‌کردند که چرا گفتی نیست. مادرم هم سخت با آنها همدمی کرد تا دیدم می‌خواهند به مادرم اهانت کنند، شدیداً با آنها برخورد کردم و گفتم: «شما حق ندارید با مادرم صحبت کنید.» غرض، این حالت شجاعت در ایشان کاملاً بارز بود.

نگاه

زنان سنگربانان نامرئی در خانواده و جامعه

■ فریبا کیانی

وقتی صحبت از جنگ می‌شود، همه ما جنگ را با صدای گلوله و خط مقدم می‌شناسیم، اما اگر بخواهیم روایت واقعی از جنگ داشته باشیم باید اول سراغ خانه‌هایی که مادران، پسرانشان و زنان همسرانشان را بدرقه خط مقدم کرده‌اند، برویم و بعد از آن سراغ محله‌ها و کوچه‌هایی برویم که در حال پخت‌وپز نان و تهیه موادغذایی اولیه و دوخت و دوز لباس برای سربازان خط مقدم و همچنین در ادامه راه زنان، سراغ بانوان پرستار و پزشکی که در مناطق عملیاتی در بیمارستان‌های صحرایی در حال خدمت‌رسانی به مجروحان جنگی بودند.

پس در هشت سال دفاع مقدس، زنان ایرانی نه تماشاگر، بلکه کنشگرانی فعال بودند. براساس آمار از شهدای جنگ تحمیلی زنان قهرمان ایران ۶ هزار و ۴۲۸ نفر شهیده در طول سال‌های دفاع‌مقدس تقدیم اسلام کردند که بیشتر آنها در بمباران و موشکباران شهرها به شهادت رسیده‌اند که ۵۰۰ نفر از این افراد رزمنده بودند، بیشتر این زنان مجرد و ۲ هزار و ۵۰۰ نفر از آنان در سن ۱۰ تا ۳۰ سال بودند. آنها سنگربانان خانواده و جامعه بودند؛ سنگری که نه با خاکریز که با صبر، تدبیر و ایستادگی برپا شد، اما این اعداد را نباید پایان داستان دانست، پشت هر عدد، انتخاب آگاهانه، حضور در برابر خطر و تصمیمی برای ماندن است، نه حادثه‌ای که بر زنان بی‌اختیار تحمیل شده است.

شاید مهم‌ترین درس روایتی از آن دوران، شکستن تصویر ساده‌انگارانه‌ای است که جنگ را صرفاً میدانی مردانه می‌داند. گزارش‌های میدانی از خرمشهر و سوسنگرد نشان می‌دهد زنان نه تنها خانه‌هایشان را ترک نکردند، بلکه در همین خانه‌ها و مساجد، ستون‌های تدارکات و پشتیبانی جبهه را ساختند. بزرگ‌ترین هنر زنان در آن دوران، «مدیریت بحران با چاشنی امید» بود. زن ایرانی با تکیه بر سنت‌های اصیل فرهنگی و باورهای عمیق دینی، خانواده را از فروپاشی درونی نجات داد. آنها نقش همسر، مادر، پرستار و در عین حال، مدیر بحران عاطفی خانه را به دوش کشیدند. این، شکلی از «کنشگری خاموش اما سترگ» بود که جامعه را سر پا نگه داشت و دفاع‌مقدس را از یک جنگ نظامی به یک مقاومت ملی تبدیل کرد.

از منظر جامعه‌شناسی خانواده، نقش زنان در آن دوران را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: حفظ ساختار خانواده، مدیریت اقتصاد معیشت و پشتوانه معنوی جبهه، تربیت فرزندان و حفظ کانون خانواده‌ای که همسرانشان به جبهه رفته بودند و در غیاب مردان بار کامل مسئولیت خانه را به دوش کشیدند.

در حقیقت این زنان بودند که پل ارتباطی میان خط مقدم و زندگی روزمره بودند و مدیریت بحران در آن دوران نه در اتاق فکر که در آشپزخانه، مسجد و مدرسه جریان داشت. نکته‌ای که در بازخوانی این دوران معمولاً مغفول می‌ماند، پیوند مستقیم آن با نیاز امروز جامعه است. امروز نیز خانواده ایرانی درگیر نوعی جنگ است؛ جنگی که نه با گلوله که با روایت‌ها، سبک زندگی و فرسایش سرمایه اجتماعی پیش می‌رود. در چنین فضایی، الگوی زنان دفاع‌مقدس می‌تواند مرجع عملی باشد؛ زنانی که با انتخاب آگاهانه، حفظ خانواده و مشارکت اجتماعی همزمان را پیشه کردند و نشان دادند دفاع از وطن تنها یک میدان نظامی نیست.

روایت

روی دور زندگی



■ مریم برزویی

اولین بار وقتی نشستم پای خواندن زندگی بانو جزایری، بیشتر از همه کاروان حضرت زینب(س) چشمم را گرفت. این کاروان را بی‌بی جان بعد از شهادت پسرش، حسین علم‌الهدی به راه انداخت. جای غمبرک زدن کنج خانه و عزاداری، چادر انداخت روی سرش و همراه زن‌های اهوازی راهی خانه‌های شهدا شد تا مرهمی روی دل‌های داغدیده‌شان بگذارد. همیشه اول صحبت‌هایش به خانم‌های کاروان می‌گفت: «آنهایی که دارند در جبهه می‌جنگند، کار حسینی می‌کنند و رسالت زینبی به دوش ما زن‌ها در پشت جبهه‌هاست.» بی‌بی فقط دنبال سرکشی خشک‌وخالی نبود. اولش با قرآن، دعا و سخنرانی شروع می‌کرد و بعد اگر گره‌ای به کار خانواده‌ها بود، باز می‌کرد؛ از تهیه خواروبار زندگی تا اسباب‌بازی برای بچه‌های شهدا و جانبازان. حتی گاهی کاروان راه می‌انداخت وسط جبهه تا به رزمنده‌ها دلگرمی بدهد. روزهایی که دشمن امریکایی به کشورمان هجوم آورد، بعضی رفقایم از شهرهایشان جمع کردند، آمدند مشهد. بمب و موشک‌ها همسران را فرستاده بود میدان جنگ و خودشان آواره خانه قوم و خویش شده بودند. روزهای اول، به قول خودشان، خوش‌خوشان می‌گذشت، اما مدتی بعد زندگی کنار دیگران در یک خانه مشترک، تازه آن روی دیگرش را نشان داده بود و هر لحظه کاسه صبرشان لبریزتر می‌شد. پیش می‌آمد که زبان به گلایه و شکایت باز کنند. از آشپزخانه‌ای که اختیارش را ندارند، خلقیاتی که به هم جوش نمی‌خورد تا بچه‌هایشان که از کنترل درآمده‌اند. نه راه پس داشتند، نه راه پیش. نمی‌توانستند برگردند سر خانه و زندگی. پای درد دلشان که می‌نشستم، قلبم می‌سوخت. دوست نداشتم دست روی دست بگذارم و تماشا کنم.

یاد کاروان صبوری بی‌بی می‌افتادم. روزهایی که وقتش بود ما هم یک جوری کنار هم صبر را تمرین کنیم و کم نیاوریم. با چند نفر از دوستانم یک گروه زدیم. راه افتادم سمت مسجد محله و با خادمش سرصحبت را باز کردم: «ما تعدادی خانم داریم از شهرهای مختلف اومدن مشهد. می‌خوایم سرشون گرم کار بشه و آوارگی از خونه زندگی کمتر آزارشون بده.» خادم مسجد درجا موافقت کرد. کلید را صبح تا ظهر در اختیارمان گذاشت. خانم‌های جنگ‌زده را عضو گروه کردیم و گفتیم: «هرکس هنری داره، رو کنه. قراره مربی مادرا و بچه‌های مسجد بشین.»

صبح اول وقت، مربی‌ها جلوتر از ما دم در حاضر بودند تا نزدیک اذان ظهر، هر گوشه مسجد، یک حال و هوایی داشت. کلاس نقاشی، خط، کاردستی و قرآن. هفته‌ای یک‌مرتبه هم روانشناس صدا می‌زدیم، بیاید. از آن طرف، حاج آقای مسجد صحبت‌های بین نمازش را برده بود سمت خواندن روایت‌هایی از منزلت آدم صبور پیش خدا. به چشم می‌دیدم عرض یک هفته آب افتاده زیر پوست رفقایم. دیگر آن زن‌هایی نبودند که تا لب باز می‌کردند، چین و چروک می‌افتاد روی صورتشان؛ افتاده بودند روی دور زندگی.

*مجموعه روایت گنجینه‌های مقدس